



تونس؛ دولت اسلام گرا تحت فشار سلفی ها و بحران کار آمدی

راشد الغنوشی: مجبوریم با سلفی ها مدارا کنیم



علاوه بر سلفی
گری، چالش
کار آمدی و تامین
نیازهای مردم نیز
مشکل دیگر
دولت اسلام گرا
در تونس است

متن زیر ترجمه بخشی از یک گزارش مرکز Terrorism Monitor بنیاد Jamestown در آمریکا است که اوایل سال ۲۰۱۲ منتشر شده است. بنیاد جیمز تن در شهر واشنگتن قرار دارد و این گزارش ها را برای مراکز تدوین سیاست خارجی آمریکا منتشر می کند. در این گزارش ۳ مشکل سلفی های تندرو، کارآمدی، حفظ اتحاد سیاسی با احزاب دیگر و همچنین اتحاد داخلی سیاسی به عنوان مشکلات دولت اسلام گرای تونس ذکر شده اند.



مانند شرایطی که اخوان المسلمین مصر با آن روبرو است، اسلام گرایانی که در تونس قدرت را به دست گرفته اند هم با رویکردهای خشونت آمیز گروه های سلفی به منظور هدف عجولانه دستیابی به "دولت اسلامی" روبرو هستند. این شرایط رئیس جمهور سکولار تونس را بر آن داشت تا در باره خطر سلفی هایی که انقلاب دموکراتیک ملی این کشور را تهدید می کند، هشدار بدهد. منصف المروزی در دسامبر ۲۰۱۱ با تصمیم شورای قانون اساسی انقلاب تونس، رئیس جمهور شد. منصف المروزی یکی از مخالفان سیاسی شناخته شده در رژیم زین العابدین بن علی است که به زندان افتاده بود و برای مدتی طولانی به فرانسه تبعید شده بود. حزب سیاسی "کنگره برای جمهوری" که مروزی عضو آن است، یکی از ۲ حزب سکولاری است که برای تشکیل اولین دولت پس از انقلاب در تونس با حزب اسلام گرای "النهضة" ائتلاف کرد. در حالی که حمادی جبال، نخست وزیر از حزب النهضة انتخاب شده است و قدرت اصلی در اختیار اوست، رئیس جمهور مسئول سیاست های دفاعی و سیاست خارجی کشور است، اما باید در هر ۲ حوزه با نخست وزیر هماهنگ باشد. به گفته رئیس جمهور تونس، اسلام گرهای عربی که پس از بهار عربی فرآیندهای دموکراتیک را پذیرفتند خود را در برابر ۲ فشار در حال افزایش می بینند: از یک سو گروه های اسلام گرای افراطی که پذیرش دموکراسی را خیانت می دانند و از سوی دیگر مردم مذهبی که از اسلام گرایان متعادل انتظار دارند شرایط عمومی زندگی آن ها را بعد از انقلاب بهبود بدهند: «اسلام گرایان اکنون خود را در افتاده در قفس دموکراسی یافته اند، زیرا آن ها مسئولیت سنگین اقتصاد و تامین شرایط زندگی

مردم را پذیرفته اند. مردم امروز منتظر راه حلی برای مشکلات جاری شان همچون آب و غذا و امنیت و... هستند. این مردم باره اسلام گرایان بر اساس "کارآمدی" آن ها قضاوت خواهند کرد. من امروز می توانم با صراحت بگویم که امروز اگر النهضة یک بار دیگر در انتخابات شرکت کند، از واکنش شدید مردم تعجب خواهد کرد، چون آن ها انتظاری که مردم داشتند را برآورده نکردند.» (روزنامه الحیات، ۴ نوامبر)

مروزی پیش از این هشدار داده بود که پس از این که جهادی ها جای پای در مالی دست و پا کنند، مرکز جهاد گرایان از افغانستان و پاکستان به سوی مغرب عربی تغییر می کند. به گفته او هراس از درگیر شدن در "جنگ با تروریسم" سیاست گفت و گو با افراطی های مذهبی را ایجاد کرده است، اما این سیاست ها تا به امروز نتیجه ای نداشته اند و آن چه امروز مشاهده می کنیم بر خلاف انتظار ها است.

از ابتدای انقلاب تونس، دولت جدید اسلام گرای این کشور با

طارق بن حبيب، یک سلفی
جهادی اهل تونس است که
به خاطر نقشش در طراحی
ترور احمد شاه مسعود
در سال ۲۰۰۱ در افغانستان،
شهرت جهانی دارد

تظاهرات های پر شور و سری حملات مسلحانه سلفی های رادیکال روبرو بوده است. حمله ۱۴ سپتامبر به سفارت آمریکا در شهر تونس که با مدیریت ابویاد التونسی انجام شد، از این نمونه است. در این عملیات ۴ مهاجم به وسیله نیروهای امنیتی کشته شدند. در ماه اکتبر نیز بعد از این که یک سلفی به ازاریک مقام امنیتی متهم شد، سلفی های مسلح به ۲ پایگاه نیروهای گارد ملی در شهر "منوبه" در اطراف تونس، پایتخت حمله کردند. اندکی پس از آن خالد کراوی، امام جماعت مسجد النور در منوبه به خاطر جراحات ناشی از درگیری های سلفی ها با پلیس جان داد. چندی پس از آن تونس شاهد درگیری های خیابانی بین سلفی ها و هواداران النهضة بود که به مرگ عده ای نیز منجر شد. این در حالی بود که النهضة همزمان تحت فشار انتقادهای جوان هایی از هواداران خود بود که خواستار برخورد قاطعانه با بازماندگان رژیم سابق به خاطر اتهامان فساد و شکنجه مردم در قبل از انقلاب بودند.

رهبری بسیاری از درگیری های خیابانی را اعضای گروه سلفی - جهادی تونس های جنگنده GCT (Groupe Combattant Tunisien) بر عهده داشتند. این گروه سال ۲۰۰۰ به وسیله ابویاد التونسی (سیف... بن حسین) و طارق بن حبيب معروفی تأسیس شده بود. طارق بن حبيب پس از آن که مدتی حبس به اتهام اقدامات مرتبط با تروریسم را در بلژیک گذراند، تابستان گذشته به تونس بازگشت. طارق معروفی به خاطر نقشش در طراحی ترور احمد شاه مسعود در سال ۲۰۰۱ در افغانستان معروف است.

تظاهرات خونین در برابر سفارت آمریکانیز با مدیریت ابویاد التونسی انجام شده بود. ابویاد از طرفداران شیخ سلفی اردنی أبو قتاده الفلستانی است که به جز راه اندازی گروه GCT، اکنون رهبری گروه جهادی سلفی النصر الشریعه در تونس را بر عهده دارد. ابویاد سال ۱۹۹۱ تحت فشار های دولت زین العابدین بن علی مجبور به ترک تونس شده بود. او در آن سال ها به دنبال گرفتن پناهندگی سیاسی بود اما گرایش ضد انگلیسی اش مانع شده بود و او را به تونس بازگردانده بودند. او سپس به درگیری ها با نیروهای آمریکایی در افغانستان پیوست اما در سال ۲۰۰۳ در ترکیه دستگیر شد و بار دیگر به تونس بازگردانده شد. او این بار در تونس به جرم مشارکت در عملیات تروریستی به ۵۸ سال زندان محکوم شد که البته در عفو عمومی پس از انقلاب آزاد شد. او پس از آن اعلام کرد معتقد است این سفارت آمریکا است که کشور را مدیریت می کند و تعیین می کند که کدام یک از احزاب در قدرت باشند. (روزنامه بیننس نیوز تونس، ۱۷ سپتامبر)

در این شرایط حزب النهضة در برابر انتقادهای دیگری هم قرار دارد که خواستار خط کشی مشخص بین این حزب و گروه های سلفی هستند. اما راشد الغنوشی رهبر حزب النهضة پس از سال ها تبعید سیاسی با انقلاب تونس به کشور بازگشت و احتیاط می کند که راندن گروهی از مردم جامعه به خشونت های گسترده تر بینجامد: «ما نیاز داریم که از حرف های دشمنی برانگیز اجتناب کنیم. ماترجه بن علی را داریم. او ده ها هزار نفر از اعضای النهضة را بازداشت کرد و حزب امتهم به شرارت می کرد. سپس رژیم سقوط کرد و امروز النهضة قدرت را به دست گرفته است. امروز اگر ما سلفی ها را امتهم به شرارت کنیم، آن ها ۱۰ تا ۱۵ سال دیگر به قدرت می رسند. به همین دلیل است که ما با آن ها به عنوان شهروندان کشور گفت و گومی کنیم نه به عنوان دشمن های مردم.»

(روزنامه لوموند فرانسه، ۱۸ اکتبر)

در اظهاراتی که می توان مشکلات اخوان المسلمین مصر با جماعت سلفی های آن کشور را هم در آن دید، راشد الغنوشی در جایی دیگر هشدار می دهد که تظاهرات پی در پی سلفی ها و خشونت هایشان منجر به ایجاد تصویری از کشور تونس می شود که "مرکز تروریسم و افراطی گری" و یک "کشور سلفی" نشان می دهد، "اگر چه اقلیتی درون یک اقلیت هستند. من فکر نمی کنم که آن ها النهضة را دنبال کنند. در واقع آن ها احتمالا به بزرگترین دشمنان النهضة تبدیل خواهند شد." فضای بعد از انقلاب تونس نه فقط به از بین رفتن ائتلاف سکولار ها، چپ گرا ها و اسلام گرایان مخالف بن علی منجر شده، بلکه منجر به اختلاف و انشقاق میان خود این گروه ها از جمله النهضة به ویژه پس از آغاز به کار پارلمان، شده است. این شرایط سیاستمداران این کشور را در برابر پاسخگویی به نیاز های مردم ضعیف کرده است.

